

# امام خمینی رحمته‌الله احیاگر نقش اجتماعی زنان



**عاطفه خادمی، فعال امور زنان |** نقش

امام(ره) در ایجاد تحول در فضای اجتماعی و تغییر نگرش‌ها نسبت به مقام زن را باید در کلان حرکت امام خمینی(ره) و در گفتمانی که امام در پی تحقق آن بود جست‌وجو کرد؛ چراکه جایگاه زن از ارکان گفتمانی امام(ره) در انقلاب اسلامی بود. اساساً رویکرد گفتمانی انقلاب اسلامی که توانست در فضای اجتماعی حاکم شود این نگاه را داشت که نگاه به ظرفیت اسلامی را پویا و محرک نسبت به تغییرات و تحولات اجتماعی معرفی می‌کرد و این ظرفیت و نگاه به اسلام که می‌توان در حکمروایی حضور داشت و به صورت کاربردی نظامات اجتماعی را مدیریت کرد امام به واسطه انقلاب اسلامی اثبات کرد. تفکر تشیع باید در ظرفیت‌های حکمرانی حضور داشته باشد و بتواند جامعه را در جمیع ابعاد مدیریت کند که یکی از بخش‌های عمده، ظرفیت جامعه زنان است که منفک از سایر بخش‌ها نیست؛ نگاه به ظرفیت جامعه زنان نگاه در هم تنیده نسبت به همه بخش‌های گفتمانی انقلاب اسلامی بود و امام خمینی(ره) نیز تلقی مجزایی در حوزه گفتمانی زنان و جامعه زنان نداشت.

باورمندی امام(ره) به ظرفیت جامعه زنان، باورمندی به آن موتور محرک و ظرفیت‌های اصلی بود که به واسطه آن نظام آرمان‌خواهی که قرار بود محقق شود را دنبال می‌کند و بارها فرمود اگر ظرفیت جامعه زنان نبود انقلاب اسلامی به پیروزی و ثمر نمی‌رسید.

این نقش کنشگری بالقوه‌ای که در جامعه زنان وجود داشت و امام این کنشگری بالقوه را در بستر تحولات سیاسی و اجتماعی بالفعل کرد، منجر به این شد که حیات دوباره‌ای در ارکان هویتی جامعه زنان در حوزه‌های مختلف رخ بدهد و نگرش جامعه نسبت به مقام و جایگاه زن کاملاً متحول شود. اینکه امروز نسبت به انقلاب اسلامی مطالبات و نقدهای رو به پیشرفت صورت می‌گیرد دارای عقبه تاریخی است که در این عقبه خیزش عظیم انقلابی و تحول عمیق بنیادین در نگاه جایگاه زنان صورت گرفته است و آن فراتر رفتن از نگاه ایزه بودن به زن و قرار گرفتن زنان در مقام کنشگری و ارکان

اساسی گفتمان انقلاب اسلامی بود که تمام این‌ها به واسطه امام(ره) محقق شد.

نقش امام(ره) در رشد جامعه زنان در تاریخ ایران همان طور که اشاره شد نقش احیاکنندگی، شتاب‌دهنده و جهش‌آفرین بود. عقبه تاریخی زیست جامعه زنان در دوران قاجار و پهلوی یک زیست منفعلانه‌ای بود که عموم جامعه زنان را دچار خمودگی کرده بود و جامعه زنان پیش از انقلاب اسلامی در بستر اجتماعی هیچ امکان مثبتی برای نقش‌آفرینی و اثرگذاری نداشت.

سیاست و راهبردهای حکومت آن زمان بر هم زننده ارکان هویتی و شخصیتی زن مسلمان جامعه ایرانی بود، به خصوص در دوره پهلوی به واسطه سیاست‌های رضاخان در موضوع کشف حجاب منجر به این شد بخش عمده‌ای از الزامات جامعه زنان که برای زیست خود بخش غیرقابل اغماضی را می‌دیدند نادیده گرفته شده و جامعه زنان در انفعال قرار بگیرد. امام خمینی(ره) به واسطه انقلاب اسلامی ارکان گفتمانی که در حوزه زنان به حاشیه رفته بود به متن تبدیل کرد و با تمرکز ویژه در هویت زن مسلمان ایرانی و اهتمام ویژه به شخصیت زن مسلمان این جهش را ایجاد کرد و یک باره عموم جامعه زنان شاهد این بودند که بستر مناسبی فراهم شده تا در تحولات اجتماعی نقش‌آفرینی کنند.

نقش تاریخی امام(ره) اصل احیاکنندگی حیات اجتماعی زن مسلمان ایرانی بود. اقدام‌ها و نگاه ایشان به ظرفیت جامعه زنان عقب‌ماندگی تاریخی را به صورت ویژه جبران کرد.

همین سیاست ویژه و رویه‌ای که امام خمینی(ره) در ارتباط با جامعه زنان داشت، در مورد خانواده نیز به همین منوال بود و در شاخص‌های فکری ایشان نگاه به خانواده به عنوان یک رکن اساسی بود که در تفکر اسلامی بیشترین اصالت را دارد. در بستر خانواده نیز امام خمینی(ره) نقشی کلیدی برای زنان تعریف کرد و این یکی دیگر از شاخص‌های فکری است که نگاه به ظرفیت خانواده، نگاه به ظرفیتی آینده‌ساز است و چون نگاه امام خمینی(ره) نگاه تمدنی است و ظرفیت انقلاب اسلامی، ظرفیتی تمدنی است که باید به سمتی برود که در عالم حاکم شود، از اقتضائات این نگاه تمدنی برنامه‌ریزی برای

تمام ظرفیت‌هایی است که مسیر تمدن‌سازی را هموار می‌کند. در نگاه امام خمینی(ره) ظرفیت خانواده و نقش زنان هموارکننده مسیر تمدن‌سازی بوده و هست؛ چراکه زنان تربیت‌کنندگان نسل‌های آینده هستند و این کلیدی‌ترین نقشی است که در جامعه اسلامی وجود دارد که زن در قامت مادر محقق‌کننده این نقش کلیدی است. امام(ره) این گلوگاه راهبردی تربیتی را در اختیار جامعه زنان می‌داند و بر همین اساس باورمندی‌ای متفاوت و متعالی نسبت به جامعه زنان و نقش آنان شکل گرفته و امام(ره) حتی فساد و سعادت جامعه را در گرو این می‌داند که زنان جامعه چه میزان می‌توانند در تربیت نسل موفق باشند.

اگر امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی نبودند زنان در عقب‌ماندگی و انفعال گذشته باقی مانده بودند و در سطوح حداقلی دچار نوعی فراموشی‌های متأثر از فرهنگ غرب می‌شدند. اگر امام(ره) و انقلاب اسلامی نبودند، شکوفایی امروز را شاهد نبودیم، اقلیتی به واسطه خودفراموشی از گذشته، فرهنگ، تاریخ و اعتقادات در فرهنگ و تمدن غربی هضم می‌شدند و بخش عظیم‌تری از زنان نیز دچار انفعال تاریخی می‌شدند که معلوم نبود برای نسل آینده چه نسخه‌های تربیتی ارائه می‌کردند و اتفاق‌های تلخ در انتظار جامعه ایرانی بود.

همان کارکرد انقلابی زنان در دوران ابتدای انقلاب، برای تحقق گام دوم انقلاب نیز وجود دارد و ضرورت و کارویژه خود را از دست نداده است. بر اساس ضرورت تاریخی و اجتماعی و به جهت کارویژه‌های جامعه زنان ایران اسلامی، در گام دوم انقلاب اسلامی نیازمند این هستیم زنان به بهترین وجه نقش‌آفرینی داشته باشند.

امروز عالمانه‌تر و آگاهانه‌تر می‌توان این ظرفیت را فعال کرد و بر اساس آورده‌های امروز دستاوردهای بیشتری از انقلاب اسلامی در گام دوم انقلاب قابل دستیابی است. نیازمند بصیرت و هوشمندی است تا بتوانیم و بدانیم چگونه ظرفیت زنان در آستانه گام دوم انقلاب اسلامی را فعال کنیم و از این ظرفیت در راستای تحقق اهداف انقلاب اسلامی و در مسیر پیشرانی انقلاب اسلامی استفاده کنیم.

